

صبح ایران

فرهنگ، هنر و رسانه ویژه



گفت وگوی «جام جم» با کارگردان و تهیه‌کننده نمایش «بازگشت»

جدال میان امید و ناامیدی



قاب‌هایی از دانشجویان
در سینمای ایران

صدای دوربین
دانشجو

۱۰

صهیونیست‌ها از ابزار فرهنگی و هنری برای اهداف غیرانسانی بهره می‌برند

نسل‌کشی فرهنگی به دست ابرقهرمان‌ها

۸



گفت‌وگوی «جام جم»
با رئیس مرکز تحقیقات صداوسیما

۸۰ درصد مردم مخاطب
تلویزیون هستند

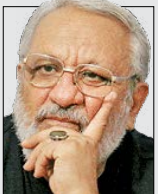


۶

نگاه

احمد میراحسان / نویسنده و پژوهشگر

کلمات مقتول



احمد میراحسان، نویسنده، شاعر و مستندساز از شروع طوفان الاقصی اشعار مختلفی برای مظلومیت فلسطین سروده است. این شاعر باسابقه براساس آغاز حملات جنایتکارانه رژیم صهیونیستی

در غزه، جدیدترین شعر خود را اختصاصا در اختیار جام جم قرار داده است.

کودکانی با جسم‌هایی / بر تخت‌های بیمارستان‌هایی گورستان
کودکانی یورشیده / شبیخونیده / ساختار زدایی شده
کلماتی غریب / مقتول / بر گورهایی سرباز
سربازانی دهن‌گشوده / خونخواه / به سمت قیامت

کودکانی که پیش چشم جهان / تجزیه می‌شوند / و به تحلیل می‌روند
در جسم‌هایی که تجزیه می‌گردند / می‌گردند، می‌گردند / و می‌شوند
روح‌هایی چرخان / بر فراز جهان
کودکانی با روح‌هایی / که روح روح ماست / گواه جاودانگی ظلمات
و اسرائیل

خبرنگارانی با کلماتی مقتول / که دیگر خود کلماتی مقتولند / راوی
کین جنون دیوان و دیوانه‌انگان

کلماتی که زخم‌های زنده ای‌اند / کلماتی شهید / که دیگر فقط
شیاطین و / نسل‌کشی ابلیس را گزارش می‌دهند وقتی که شهادت
می‌دهند / شهادت می‌شوند

شعر نسرودهام / سخنرانی نامیده کشتگان بی‌گناهی غزه را در شورای
قاتلان امنیت / به زبان درد بر گردانده‌ام.

در دنیایی که قوانین بین‌المللی هم / همدست قاتلان و شبیخون
و تاریکی / از آب درآمده است.

روح‌های پرند بر فراز دنیا / چرخ می‌زند و / بر فرشتگان می‌گوبند
انسان / این خونریزان مجهول نیستند / این بینی اسرائیل جهول /
پسران دروغین یعقوب / که هفتاد پیامبر و هفت هزار کودک به موعدی
کشتند تا چشم به هم‌زدنی.

کنونا به ما بنگرید / به ما که از کاروانیان منتظران موعودیم / و کشتگانیم
و باز خواهیم گشت.



نقدِ نسیه ممنوع!

شایسته نسبت به هر امر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باید هزینه کرد و منبع این هزینه همان خرانه صلاحیت‌های ناقد است. ناقد خود ممکن از سوی ناقدان دیگر یا فرد و سازمان مورد نقد و مورد ارزیابی نقادانه قرارگیرد. ازاین رو باید گفت یکی از سرمایه‌های به میدان آورده ناقد «شخصیت» و «اعتبار» اوست.

گرمی بازار نقد

در ابتدای مقال به این واقعیت اشاره شد که فضای آزادی‌های اجتماعی سبب ساز گرمی بازار نقد می‌شود و هرکس به هر انگیزه و به هر دلیل مرتبط یا نامرتبط موضوعی، همچون یک اثر هنری، ادبی یا یک اقدام سیاسی نظیر شیوه اداره کشور و برنامه و عمل اقتصادی یا برنامه‌ریزی و عمل حکومت و حاکمان را مورد نقد قرار می‌دهد. در چنین انقلاب‌ها معمولاً زمینه‌ساز آزادی بیان – برای همیشه یا مدتی محدود– می‌شوند. در بیشتر نهضت‌های بزرگ معاصر آنچه مشهود بوده است رشد چشمگیر رسانه‌ها

نظیر روزنامه‌ها و دیگر مطبوعات است. در دهه‌های اخیر فضای سایبری نیز به کمک تکثیر رسانه‌ها آمده و در چنین فضایی هرکسی باهر اندازه‌از صلاحیت درهر موضوعی ورود کرده و عملکردها را به چالش می‌کشد. افراد و طبقات مختلف جامعه حسب منافع، گرایش‌ها و علائق خویش به نقد قضایای می‌پردازند. لیکن باید توجه داشت که به قول مولوی؛ هر کس‌ی از ظن خود شد یا من / از درون من نجست اسرار من

غنی‌سازی فکر در جنگ روایت‌ها

اینجاست که باید جامعه مخاطبان را از سواد رسانه‌ای غنی ساخت تا درجنگ روایت‌ها دچار آسیب ذهنی و استنتاجی نسبت به امور نشوند. رسانه‌ها بخش زیادی از صفحات خویش را به نقد اختصاص می‌دهند. از اخبار گرفته تا گزارش‌ها و مقالات مطبوعاتی و پاورقی‌ها و یادداشت‌های تک ستونی درواقع به نقد می‌پردازند و حتی مدیریت‌گزینش اخبار درخود خویش نوعی نقدمسائل را دارند. دروازه‌بانان خبر در رسانه‌ها، متمایل به اهداف صاحبان رسانه، اخبار را برمی‌گزینند، دبیران و سردبیران تیتیر می‌زنند و درصفحات ویژه جای‌گذاری می‌کنند. ازاین روناقند نوعی داوری را برگزیده است و قضاوت در ذات نقدا و نهفته است. باتوجه به مسئولیت‌های قاضی درجامعه‌ای



باید جامعه مخاطبان را از سواد رسانه‌ای غنی ساخت تا درجنگ روایت‌ها دچار آسیب ذهنی و استنتاجی نسبت به امور نشوند

نقد خویش‌تن

در موضوع «محاسبه نفس» که از سفارشات مهم اسلام به انسان هاست، درحقیقت «نقد خویش» مطرح است و هر انسانی می‌باید با نقد خود، مراقبت کند تا از مسیر تکامل خارج نشود. این دستورمهم تحت عنوان «خایبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُخْأَسَبُوا» «درپایان امیرمومنان (ع) کلید واژه خود پایشی و تربیت خویش و مراقبه نفس را عرضه می‌کند. اما نکته مهم اینجاست که چه کسی با چه ابزاری و با چه معیارها و سنجه‌هایی ازصلاحیت نقد برخوردار است؟

درنقد می‌باید صاحب صلاحیت بود. همچنان که در فرضیه امر به معروف ونهی ازمنکر این چنین است. عوامل ۱- حسن نیت و سلامت نفس ۲- علم به موضوع ۳- زمان و مکان شناسی خلق اثر یا برنامه یا تصمیم. ۴- فرهنگ شناسی و بستر فرهنگی تولد اثر یا اقدام مورد نظر ۵- انگیزه شناسی صاحب یک اثر یا فعل یا یک سازمان رویکرد‌های نقادانه

همچنین ناقد نسبت به موضوع مورد نقد باید فاقد انگیزه‌های منفی و مخرب نسبت به صاحب اثر یا

فاعل یک اقدام باشد. به علاوه ردائلی همچون حسد، خودنمایی و شخصیت‌سازی ثانویه برای خویش باید از

ناقد به دور باشد. نکته دیگر این‌که برای داشتن یک نقد



یکی از تبعات بازبودن فضای سیاسی و آزادی بیبا که معمولاً بعد از تحول‌ها و انقلاب‌های اجتماعی-برجوامع گوناگون عارض می‌شود، همگانی شدن «نقد» است. به این معنا که همه درباره همه چیز اظهار نظر و به عبارتی «نقد» می‌کنند. نقد در فرهنگ‌ها و ادبیات گوناگون با تعابیر گوناگونی تعریف شده است. آنچه از مجموعه معارف اسلامی- اعم ازقرآن کریم و معارف متصل به عترت رسول خدا(ص)- برمی‌آید نقد اقدام شایسته‌ای در جهت تکمیل فرایند مسئولیت‌پذیری و عمل به مسئولیت همگانی در جامعه اسلامی است؛ همچنان که از نبی مکرم اسلام (ص) نقل است که فرمود: من اصبح و لم یتهم به امور المسلمین فلیس بمسلم اهتمام درامور مسلمین فقط شامل امور مادی و معیشتی مسلمانان نمی‌شود بلکه نظارت و ابراز نظر درباره همه امورخرد و کلان است و نقد، بستری برای این اعلام نظر‌ها ومواضع است.

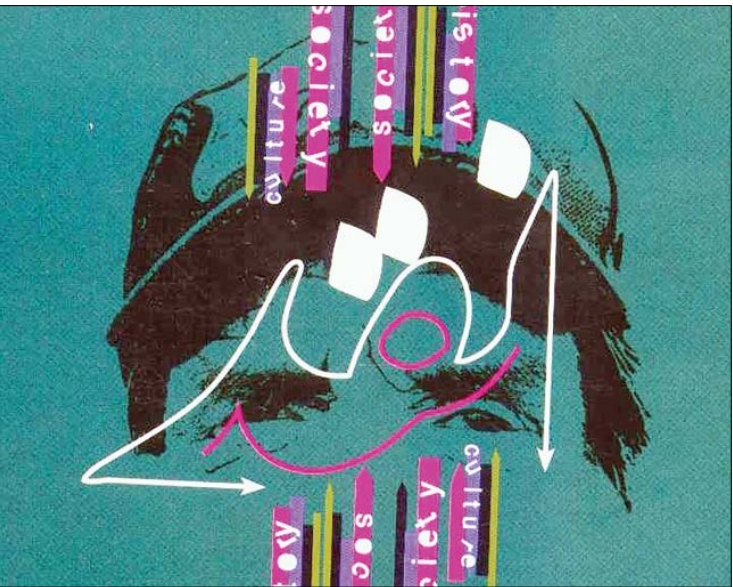
صبغه اسلامی در نقد

ازاین رو نقد یا صبغه اسلامی اقدامی خیرخواهانه و استکمالی است که امور را در مسیر اجرا یا صحت و درستی قرین می‌کند و از مصادیق و تبعات نظارت و کنترل امور یا مشارکت همگان است. البته بدیهی است که نقد درهر مورد می‌باید توسط متخصصان هر موضوع صورت گیرد و دخالت غیر عالمانه در امور تحت عنوان نقد نه فقط اثر این تکلیف اجتماعی را از میان می‌برد، بلکه نقد را از جایگاه یک ارزش به مسقط ضدارزش ساقط می‌کند.

نقد در یک دسته‌بندی به سه نوع نقد مخرب، منفی و سازنده تقسیم شده است؛ با این‌که برخی علما و صاحب‌نظران اساساً دو نوع اول را نقد نمی‌دانند زیرا از ابتدا هدف ناقذ، تخریب یا تضعیف موضوع، فرد یا سازمان است. اما نقد سازنده را تمامی خردندان نه تنها پذیرفته‌اند، بلکه آن را یک ضرورت برای کنترل امور در مسیر صحیح خود می‌دانند.

نگاه نقادانه امر به معروف

می‌توان گفت فرضیه امر به معروف و نهی از منکر نوعی دستور به نقد است که خداوند درقرآن کریم آن را عامل تشخیص و برتری امت اسلامی و اهل ایمان ذکر کرده و فرموده است: کَلَّمْتُ خَیْرَ أَهْلِ أَخْرِجْتُ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید، به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خدا ایمان دارید). (لیکن گام بالاتر این ارزش‌گذاری در



به سقوط و دوری از هدف انجامیده است و چه بسیار انسان‌های خلاق آثار برجسته یا انگیزه‌های شایسته به دلیل شیوه‌های ناشایست و نا بالغ دچار بد نامی و قضاوت‌های منفی ازسوی ناقدان یا جامعه مخاطبان شده‌ومی‌شوند.

برای نقد هزینه کنیم

جامعه امروز ما به تبع انقلاب و آزادی بیان پر شده است از نقدهای همگان درهمه امور. هرچند اراده برقرار کنندگان آزادی و مدافعان از آزادی چیدن ثمرات و میوه‌های مفید ازاین شجره است، لیکن گاه دیده شده فضای نقدهای بدون پشتوانه به چند قطبی شدن جامعه انجامیده و همپوشانی‌های مفید وسازنده جای خود را به تخریب و انهدام وحدت اجتماعی داده‌اند. البته نمی‌توان این واقعیت را نیز ناگفته گذاشت که دراین معرکه جریان‌های سیاسی رقیب به جریان‌های سیاست معارض با یکدیگر تبدیل می‌شوند. هر نقدی منصفانه یاغیر منصفانه در بازار نقد رایج شده و مردم – که با مشکلاتی در رفاه ومعیشت نیز دست و پنجه نرم می‌کنند یا درگیر تعصبات قومی و نژادی می‌باشند- ناخواسته در ذیل هرچمن این یا آن جمع شده و نقدهای غیر منصفانه را تکرار می‌کنند و سیاه‌نمایی سکه رایج بازار «نقد» شده و حسن عمل هادر مسلخ بی‌انصافی و بی‌عدالتی ذبح می‌شوند. دراین گیرودار ناصواب فرصت نقد سازنده نیز از میان رفته و چه بسا اموری که باید به درستی درمسیر صلاح و فلاح حرکت کنند با عکس‌العمل دفاعی طرف مقابل در برابر «نقد مخرب» مواجه گشته و دود این رفتار نسنجیده به چشم نظام و ملت می‌رود. بر ماسحت که برای نقدهای خویش هزینه کنیم و از نقد بی‌مایه ومفت و حتی «نقد نسیه» اجتناب ورزیم.